

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، پیاپی ۲۱

صفحات ۱۳۸-۱۲۱

اثرات روابط شهر و روستا بر تحولات اقتصادی و اجتماعی روستاهای شهرستان آزادشهر

بهمن صحنه*؛ استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.
حسین سادین؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
عبدالحمید نشاط؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
حمیدرضا تلخابی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۳/۰۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۲۲

چکیده

دامنه و نحوه روابط میان شهر و روستا به صورت‌های گوناگون بر شکل‌پذیری، رشد و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و همچنین بر ساختار و کارکرد آنها اثرگذار است. با توجه به نقش این روابط در فرآیند تحولات و توسعه کانون‌های شهری و روستایی، علاوه بر بررسی انواع و علل روابط، شناخت آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و فضایی - کالبدی بر شهر و روستا و تلاش برای کاهش اثرات منفی این روابط در راستای ساماندهی آنها، زمینه‌ساز توسعه پایدار نواحی روستایی و شهری خواهد بود. پژوهش حاضر باهدف بررسی تغییرات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی ناشی از روابط متقابل شهر و روستا بین نقطه شهری آزادشهر و بخش چشمه‌ساران انجام‌گرفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جامعه آماری آن را خانوارهای ساکن در روستاهای بخش چشمه‌ساران تشکیل می‌دهد که با توجه به حجم جمعیتی آن طبق فرمول کوکران تعداد ۳۲۳ نمونه تعیین و به‌طور تصادفی انتخاب‌شده است. روش بررسی در این مقاله به دو صورت اسنادی (کتابخانه‌ای) و مطالعات پیمایشی (پرسشنامه) با ارزیابی ۲۱ متغیر در سه بُعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بوده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر آمارهای توصیفی از آزمون کای اسکوئر (خی‌دو) استفاده شد. نتایج بیانگر تغییرات عمده‌ای در قیمت زمین و مسکن روستایی، کاهش مالکیت بومی اراضی، قطعه‌قطعه شدن اراضی کشاورزی، انحراف از مشاغل کشاورزی، کاهش انسجام اجتماعی، اختلاط اقوام، تغییرات اساسی در پوشش‌های سنتی، تغییرات اساسی در نما و معماری مسکن روستایی و افزایش تأثیرات محیط زیستی است. همچنین میانگین دامنه این تغییرات نیز بر اساس محاسبات آماری بین ۱۶/۹ درصد تا ۶۵/۶ درصد است.

واژگان کلیدی: سکونتگاه روستایی، روابط شهر - روستا، توسعه روستایی، آزادشهر.

* b.sahneh@gu.ac.ir

(۱) مقدمه

بررسی تفاوت‌های ساختاری و روابط متقابل شهر و روستا یکی از مسائلی است که باید در برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد (پل سینجر، ۱۳۸۵: ۱۴؛ آسایش، ۱۳۷۴: ۲؛ رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹). استراتژی و سناریوی برنامه‌ریزی فضایی و چگونگی برقراری این ارتباط باید هم‌زمان با تغییرات جمعیتی سکونتگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد (Conrad et al., 2015: 13). ادوارد اولمن، کنش فضایی میان نقاط جمعیتی را تحت تأثیر سه اصل مکمل بودن، انتقال‌پذیری و فرصت‌های مداخله کننده مطرح نموده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵). ارتباط متقابل بین روستاها و شهرها و ادغام ساختاری و عملکردی آنها به‌خصوص در روستاهایی که در نزدیکی شهرها قرار دارد و پتانسیل پراکنده رویی و ادغام به شهرها را دارد، بسیار بالا است (Kumar Jat et al., 2008, 28).

سابقه بررسی روابط شهر و روستا و تأثیرات آن در دگرگونی نواحی روستایی به دوران باستان برمی‌گردد. در آن دوران نوعی رابطه متقابل و دوسویه و درعین حال متعادل بین شهر و روستا برقرار بوده است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۵). در ایران رابطه و تعامل بین شهر و روستا تا اوایل دهه ۱۳۳۰ هـ ش نسبتی متعادل داشته و تسلط خاص کارکردی بین این دو ساختار جمعیتی وجود نداشته است (حسامیان، ۱۳۸۳: ۴۷)؛ پس از این دهه، ساختار روابط بین شهر و روستا هم‌زمان با پدیده جهانی شدن دچار نوعی دگرگونی می‌شود (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸) که بازتاب آن در عملکرد شهر و روستا، محیط‌زیست، فرآیندهای حاکم و روابط پس‌اندی آن قابل مشاهده است (فرید، ۱۳۷۵: ۴۴۳). شهرها که تا این زمان وابسته به مازاد تولید محصولات روستایی بوده، پس‌ازاین زمان به علت بالا رفتن درآمدهای نفتی و تزریق حداکثری آن در شهرها، تا حد زیادی به این مازاد تولید بی‌نیاز شده و پس از رواج جریان بالای محصولات، دچار نوعی عدم تعادل و دگرگونی گردیده است (معیدفر و اکبری، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

به دلایل پیش‌گفته باید انجام اصلاحات ارضی و افزایش ناهمگون جاذبه‌های شهری را در تقابل با فقر روستا افزود. از دهه ۱۳۴۰ به بعد، دیگر شبکه شهری همگون که میراث ساختار گذشته بوده است از بین رفته و به‌مرور زمان شکاف درآمدی بین شهرها (مرکز) و روستا (پیرامون) افزایش پیدا نمود. بسیاری از زمینه‌های ایجاد الگوی نامتوازن و شکاف بین سکونتگاه‌ها، ریشه در نحوه توزیع منابع دارند (شیخی و شاه‌یوندی، ۱۳۹۱: ۲۱). دوگانگی ایجادشده در جمعیت و همچنین فعالیت‌های موجود در نواحی شهری و روستایی بالطبع، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی فراوانی را سبب شده است که این پیامدها باید هم به‌صورت خرد در سطح روستاها و هم در مقیاسی وسیع‌تر و به‌صورت ناحیه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. از طرفی توسعه شتابان شهرها به دنبال انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و جریان‌ات ساختار شکن اوایل قرن بیستم نوعی درهم‌تنیدگی در جریان کالا، پول، خدمات، سرمایه و منابع غذایی به وجود آورد که این امر قطعه‌قطعه شدن زمین‌های کشاورزی، افزایش قیمت زمین، تنوع و امتزاج فرهنگی

و قومیتی، ازدواج‌های غیرفامیلی، تغییر سبک زندگی و نوع تفکر، روابط سرمایه‌داری و تغییرات کاربری زمین را در پی داشته است. در این ساختار، روستا از حالت خودکفایی خارج شده و به صورت سیستمی مصرفی در خدمت فروش محصولات لوکس شهری درآمد دارد. به عبارتی، رابطه معقول و منطقی بین شهرها در سده‌های گذشته تبدیل به نوعی رابطه غیرمعقول و انگلی شده است. پدیدار شدن چنین رابطه‌ای هم‌زمان با رشد جمعیت، ناکافی بودن درآمد روستاها، عدم تطبیق الگوی کشت با نیازهای بازار، بالا رفتن سطح سواد و آگاهی و در پس آیند آن، رشد تصاعدی و چند برابری توقعات خانواده‌ها، کاهش وابستگی مکانی و سست شدن مفهوم روح فضایی روستا، توسعه سیستم‌های حمل‌ونقل و به‌ویژه سیستم‌های تله ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، سبب ایجاد نوعی جریان جمعیتی از روستاها به شهرها شده است.

این جریان در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دارای ساختار متفاوتی است. در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته، این جریان ناشی از پیشرفت کشاورزی و مکانیزاسیون آن است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، نشأت گرفته از ضعف دولت‌ها در خدمات‌رسانی است (سعیدی، ۱۳۷۷: ۸۹ و اهلرز، ۱۳۸۰: ۱۳۱). ماهیت این نوع حرکت در ابتدا، فرآیندی مثبت به نظر می‌رسید، اما در گذر زمان و در بستر مکان و با بروز بحران و دگرگونی در روابط شهر و روستا از شدت و حدت آن کاسته شده است (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۵۳). به‌طور کلی، کنش متقابل را که بین شهر و روستا برقرار بوده به نفع مراکز شهری جهت داده است (صرامی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). ایجاد ارتباط و برقراری رابطه شهر و روستا ناشی از عوامل متعددی است که به‌طور نسبی بر یکدیگر تأثیر نهاده و با گذشت زمان تغییر می‌کند. کنش متقابل فضایی میان کانون‌های شهری و روستایی در عرصه‌های سکونتگاهی کوچک و نسبتاً دورافتاده از مناطق کلان‌شهری بزرگ، همچنان باقی است و این روابط را می‌توان در جریان‌های کالا، خدمات و افراد که بین مرکز و پیرامون صورت می‌گیرد، به‌وضوح دریافت. شناخت چگونگی این ارتباط و تأثیرات متقابل آن می‌تواند به مطالعات شهری و روستایی اعتبار بخشیده و نتایج مطمئنی را به‌همراه داشته باشد. از آنجائی که شرایط اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در محدوده‌های سیاسی و اداری یکسان نیست و قلمرو مورد بررسی با عدم تعادل‌های محیطی، مسائل و مشکلات رو به تزاید روستاها از جمله مسئله مهاجرت، تغییر بی‌رویه کاربری‌های کشاورزی و گسترش خانه‌های ویلایی مواجه است. لیکن شناسایی بنیان‌های روابط شهری - روستایی به‌منظور درک مسائل شهرگرایی و پیدایش راه‌حل‌های مناسب به‌منظور برقراری یک‌روند توسعه متعادل و متناسب با امکانات موجود در ناحیه و حل مسئله مهاجرت روستاییان به شهرها ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو در پژوهش حاضر سعی شده است تا به بررسی تغییرات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی ناشی از روابط متقابل شهر و روستا بین نقطه شهری آزادشهر و بخش چشمه‌ساران طی یک دوره ۱۰ ساله (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵) پرداخته شود.

۲) مبانی نظری

تحلیل دگرگونی‌های نواحی روستایی به‌منظور رسیدن به اهداف توسعه روستایی و الزامات آن، مفهوم مهمی است که تعریف، اندازه‌گیری و ارزیابی آن بسیار دشوار است (Kassioumis et al., 2004: 485). دشواری تحلیل مکانی، ناشی از در هم تنیدگی ساختار فضایی و کالبدی آن به‌خصوص پس از انقلاب صنعتی و رواج شهرگرایی است (Muller et al., 2011: 632 & Long et al., 2011: 1995). امروزه تعاملات شهر و روستا را می‌توان به دودسته تعاملات فضایی مشتمل بر جریان افراد، کالا، اطلاعات و تعاملات بخشی مشتمل بر صنعت و خدمات تقسیم‌بندی نمود (Tocoli, 2003: 3). البته شایان توجه است که در حال حاضر روستاها و نظام‌های اجتماعی تابعه آن، بسیار متنوع، پیچیده و کلی‌تر از آن چیزی است که در قرون گذشته وجود داشته است (Kennedy et al., 2001: 82). فرآیندهایی از جمله مدرنیسم و اهداف برنامه‌ریزی آن سبب تسریع و همچنین اختلاط این نوع ارتباط می‌گردد (Center of Economic Research., 2013: 52). در یک شبکه ناحیه‌ای همگون، توزیع ثروت، منابع اکولوژیک و اقتصادی به‌طور متناسب بین سکونتگاه‌های مختلف و همچنین بین نسل‌های متمادی صورت می‌پذیرد (Xue., 2014: 131) و در پی آن نوع ارتباط نیز به‌صورت انگلی جلوه نمی‌کند.

در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و تحلیل دگرگونی روابط شهر و روستا، باید میان ماهیت جغرافیایی شهر و روستا تفاوت قائل شد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۷). عدم توجه به این ماهیت ممکن است باعث ایجاد ناهمگونی منطقه‌ای و در پی آن مهاجرت گردد. اقتصاددانانی نظیر آدام اسمیت نیز با تأیید این مطلب، مهاجرت روستاییان به شهر را تابعی از قانون عرضه و تقاضا در بعد مسائل اقتصادی می‌دانند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۶). درزمینه‌ی شناخت و تحلیل روابط شهر و روستا با رویکرد توسعه منطقه‌ای نظریات زیادی مطرح شده است. اکثر این نظریه‌ها به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه بر پایه رشد اقتصادی استوار بوده است (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۴). مدل‌هایی از جمله مدل رشد هارود (۱۹۴۸)، مدل روستو (۱۹۵۶)، مدل دومار (۱۹۵۷)، مدل رودان روستین (۱۹۴۳)، مدل اسکیتوسکی (۱۹۵۴)، نورکوس (۱۹۵۳) و هیرشمن (۱۹۵۸) از آن جمله هستند. اغلب این مدل‌ها بر رشد نامتعادل و ناموزون منطقه‌ای با محوریت مناطق شهری تأکید داشته و رشد حداکثری و تصاعدی مناطق مرکزی را زمینه‌ساز رشد و توسعه مناطق پیرامونی می‌دانند؛ درحالی‌که این رابطه در عمل به‌صورت یک رابطه استعماری و انگلی بروز می‌نماید (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). یکی از مهمترین مواردی که از این نوع طرز تفکر تأثیر می‌پذیرد، نظام کاربری اراضی است (Meyer et al., 2014: 42).

در بسیاری از کشورها و به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه، با عنایت به تأثیرات شگرف عوامل اقتصادی، این تغییرات غالباً به نفع کاربری شهری و به ضرر کاربری کشاورزی خود را نشان می‌دهد

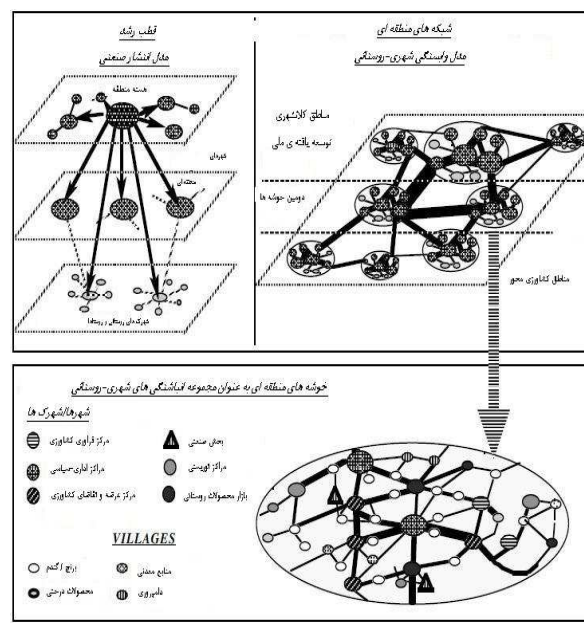
(میرکتولی و عادل، ۱۳۹۳: ۲۳ و Meyer et al., 2014: 42). این موضوع مؤید عدم نگرش نظام مند و آمایشی به فضا و زیرمجموعه‌های آن است. در ایران، روابط شهر و روستا مبتنی بر اصول زیر بوده است:

- روابط مالکیت سنتی و قدیمی با فرم تغییر شکل یافته آن بعد از اصلاحات ارضی.
- تسلط روزافزون شهرها با تکیه بر افزایش درآمد ملی و سرمایه‌گذاری بیشتر در شهرها.
- بهره‌برداری وسیع و متمرکز از نیروی انسانی روستاها در شهرها.
- نقش اداری و دائم‌التزاید شهرها (نظریان، ۱۳۷۷: ۱۳۸).

شکل شماره (۱) مدل سلسله مراتبی و مدل شبکه‌ای را در قالب یک منطقه جغرافیایی فرضی مقایسه می‌کند. همان‌طور که در شکل مشهود است، مدل شبکه‌ای به شکل‌گیری نوعی تمرکز غیرمتمرکز اما به صورتی افقی و هم‌سطح می‌انجامد که در ارتباطی متقابل با شبکه‌هایی در سطوح بالاتر قرار دارند.

روستا به‌عنوان تضاد میان دو واحد سکونتگاهی مطرح نمی‌شود، بلکه به‌عنوان مراحل و سطوح مختلف و تدریجی یک‌روند تکاملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶- مدل شبکه‌ای به بررسی ناحیه و منطقه به‌صورت یک کل و در ارتباط با اجزای آن می‌پردازد و در این میان نقاط را یکسان می‌بیند و اولویت را به بررسی دقیق جریان‌ها و پیوندهای میان نقاط می‌دهد و از تحلیل جریان میان مراکز مختلف (به تفکیک حجم، نوع، جهت جریان و...) و خوشه‌بندی و دسته‌بندی سکونتگاه‌ها با اندازه‌های متنوع، رشد و توسعه هماهنگ مبتنی بر روابط مکمل و پیوندهای سازمان‌یافته میان نقاط در سطح مناطق را توجیه می‌کند (تقی زاده، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۳).



۱- مدل وابستگی: این نظریه که بیشتر ریشه در بنیان‌های مکان مرکزی داشت به‌وسیله جانسون در کشور هندوستان به مرحله اجرا گذاشته شد و هم‌زمان با جانسون، دنیس راندینلی با ارائه رویکرد (UFRD) عملکردهای شهری در توسعه روستایی بر نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی تأکید کرد.

۲- مدل بازماندگی: روستا جایی است که هنوز به‌صورت شهر درنیامده است و با آن تفاوت‌های اساسی دارد. در این مدل، به واپس ماندگی کلی زندگی در روستاها اهمیت چندانی داده نمی‌شود و حتی گاهی روستا عمداً از لحاظ سیاسی - اجرایی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

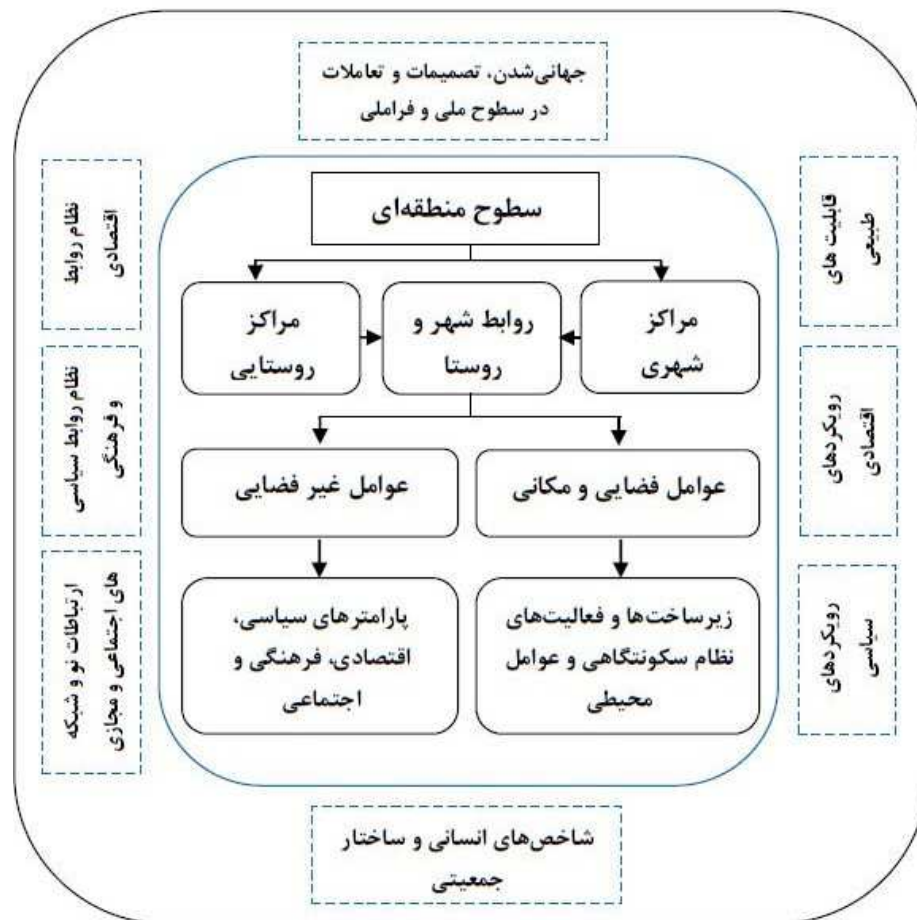
۳- مدل دوگانگی: این مدل اساساً بر تضادهای بنیادی میان شهر و روستا و دوگانگی جوهری رشد شهری و روستایی تأکید دارد. مطابق این روش، نحوه انطباق و ادغام روستا با شهر وابسته به تفاوت‌های بنیادی اقتصادی، تفاوت از لحاظ به‌کارگیری فنون و سطح برخورداری از دانش فنی و نابرابری از لحاظ تقسیم قدرت و جایگاه حقوقی - قانونی است (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

۴- مدل کارکردی: طبق این الگو، شهر و روستا نه‌تنها با یکدیگر ارتباط دارند، بلکه به یکدیگر وابسته هستند. با توجه به اصل اول مدل، کارکردهای تکمیلی بین سکونتگاه‌ها (از جمله شهر و روستا) جهت برقراری یک جریان ضروری است و این ارتباط نیازهای طرفین را برطرف می‌کند. البته وجود فرصت‌های مداخله‌گر (اصل دوم) و قابلیت انتقال (اصل سوم) کم و کیف این ارتباط را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رضوانی، ۱۳۸۱: ۹۴-۸۱).

۵- مدل پیوستگی: طرفداران این مدل معتقدند که میان شهر و روستا تفاوت‌های اساسی وجود ندارد، بلکه آن‌ها را به‌عنوان دو قطب در نظر می‌گیرند. مطابق این مدل، نابرابری‌های موجود میان شهر و

شکل شماره (۱): مهم‌ترین الگوها و رویکردهای مطالعه شهر و روستا در یک منطقه جغرافیایی

مدل مفهومی تحقیق در قالب شکل شماره (۲) ارائه گردیده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، روابط شهر و روستا را نمی‌توان به‌طور صرف و فقط در ارتباط با شرایط ساختار منطقه تحلیل نمود؛ بلکه این ارتباط تحت سیطره الگوهای جهانی، تعاملات بین‌المللی، روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بین‌الملل و همچنین رشد سریع ارتباطات فضایی و غیرفضایی قرار دارد. در سال‌های گذشته شاید در تحلیل روابط در نظر گرفتن مؤلفه‌های ناحیه‌ای، کافی به نظر می‌رسید، اما در حال حاضر بدون در نظر داشتن موارد فوق که اکثراً حالت جهانی و فراملی دارند، عملاً تحلیل روابط شهر و روستا ممکن نیست. بر این اساس پیوند و عوامل تأثیرگذار بر روابط متقابل شهر و روستا طبق الگوی شماره (۲) خواهد شد.



شکل شماره (۲): پیوندها و عوامل مؤثر بر روابط متقابل شهر و روستا

به‌رحال با عنایت به مباحث فوق، با توجه به پویایی و تنوع مکان‌های شهری به‌عنوان عنصری از سیستم فضای جهانی، بررسی ساختاری و عملکردی روستاها و شهرها به‌صورت جداگانه و جزیره‌ای، عملاً نمی‌تواند منجر به ایجاد یکپارچگی فضایی ناحیه گردد. در واقع شناخت و مدیریت پیوندهای عمیق روستا - شهر و رفع تهدیدهای موجود در آن، یکی از مواردی است که باید ضمن توجه صرف و خرد به برنامه‌ریزی شهری یا روستایی، مدنظر برنامه‌ریزان و مدیران ناحیه‌ای قرار گیرد.

درزمینه‌ی مطالعه روابط شهر و روستا در ایران و شناخت مؤلفه‌های آن، مطالعاتی توسط محققین ایرانی و خارجی صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به پژوهش پل وارد انگلیش (کرمان ۱۹۶۶)، مایکل بناین (یزد ۱۹۷۵)، کوپ (ساری ۱۹۷۶)، مارسل بازن (قم ۱۹۷۷)، اکارت اهلرز (طبس و دزفول ۱۹۷۷)، مصطفی مؤمنی (تفت ۱۹۷۸)، اویگن ویرث (اصفهان ۱۹۸۳)، توانا (زابل ۱۹۸۳)، سعیدی (اسدآباد ۱۹۸۴) اشاره داشت. در سالیان اخیر نیز مطالعاتی در سطح ایران انجام شده که تعدادی از آن در ادامه آمده است:

رضوانی در سال ۱۳۸۱، در مطالعه‌ای با عنوان "تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران"، به این نتیجه رسید که با توجه به خودجوش بودن شکل‌گیری کارکردهای جدید در نواحی روستایی اطراف تهران، تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی صورت گرفته باعث ایجاد پیامدهای نامطلوبی در آن نواحی و نواحی اطراف شده است. ضرابی و همکاران در سال ۱۳۹۰، در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی روابط اقتصادی شهر روستا"، به تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی بین شهر و روستا در شهرستان کازرون پرداختند. نتایج حاکی است که شهر کازرون به‌عنوان شهری متوسط در سطح ملی توانسته است با حوزه نفوذ خود در سطح ناحیه‌ای ارتباط اقتصادی عادلانه‌ای برقرار نماید. ندیری و همکاران در سال ۱۳۹۱ در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی الگوی روابط متقابل شهر و روستا و تأثیر آن بر روند مهاجرت در استان قم" به تبیین الگوی روابط متقابل شهر و روستا در استان قم و نحوه تأثیر آن بر روند بار مهاجرتی پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شهر قم و شهرهای مجاور آن هیچ‌گونه تأثیری در بهبود خدمات‌رسانی به روستاهای پیرامونی نداشته‌اند. همچنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیون، درصد کمی از تغییرات مهاجرت توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است. بنابراین هیچ‌کدام از متغیرهای مستقل رابطه معناداری با مهاجرت ندارند. عزیزاده و همکاران در سال ۱۳۹۲، در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی روابط متقابل شهر و روستا: روستاهای دهستان عشق‌آباد با شهر نیشابور" به بررسی روابط متقابل بین شهر نیشابور و دهستان عشق‌آباد پرداختند. یافته‌های تحقیق تأییدی بر روابط جهانی مرکز - پیرامون در مقیاس ناحیه‌ای است و نشان می‌دهد که پیرامون (دهستان عشق‌آباد) در ابعاد مختلف، تحت سیطره و تسلط مرکز (شهر نیشابور)، قرار گرفته است. تقیلو و همکاران در سال ۱۳۹۲ در قالب پژوهشی با عنوان "توسعه کشاورزی با تأکید بر مناسبات شهر و روستا" به این نتیجه دست یافتند که بین اندازه شهرهای مراکز استان‌ها و توسعه کشاورزی رابطه معناداری وجود دارد. میرزایی قلعه و همکاران در سال ۱۳۹۲، در قالب پژوهشی با عنوان "تحلیل روابط متقابل شهر و روستا در توسعه‌یافتگی روستاهای دهستان حومه، شهرستان هرسین" به تحلیل عملکرد روابط متقابل و پیوندهای فضایی بین نقطه شهری هرسین در دهستان حومه واقع در بخش مرکزی این شهرستان پرداختند و چنین نتیجه گرفتند که روابط متقابل شهر و روستا،

تأثیر چندانی بر توسعه نواحی روستایی نگذاشته است و بیشتر در تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بوده است. مطیعی لنگرودی و همکاران در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان "اثرات روابط اقتصادی شهر و روستا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی" به این نتیجه دست یافتند که روابط اقتصادی شهر و روستا در محدوده چهل چای مینودشت نقش مؤثری در وضعیت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی داشته است. نتایج پژوهش قدیری معصوم و همکاران در سال ۱۳۹۴ با عنوان "اثرات روابط اقتصادی شهر و روستا بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد: شهرستان زنجان" حاکی از آن است که روابط اقتصادی بین روستا و شهر در محدوده مورد مطالعه، در مجموع اثرات مثبتی بر روی امنیت غذایی خانوارهای روستایی نداشته است. از این رو تحقیق حاضر ضمن بهره‌گیری به نتایج طرح‌ها و تحقیقات قبلی، به دنبال تعمیم نتایج و روشن ساختن برخی از مسائل مهم روز و مشکلات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی حاصل از روابط بین نقاط شهری و روستایی است.

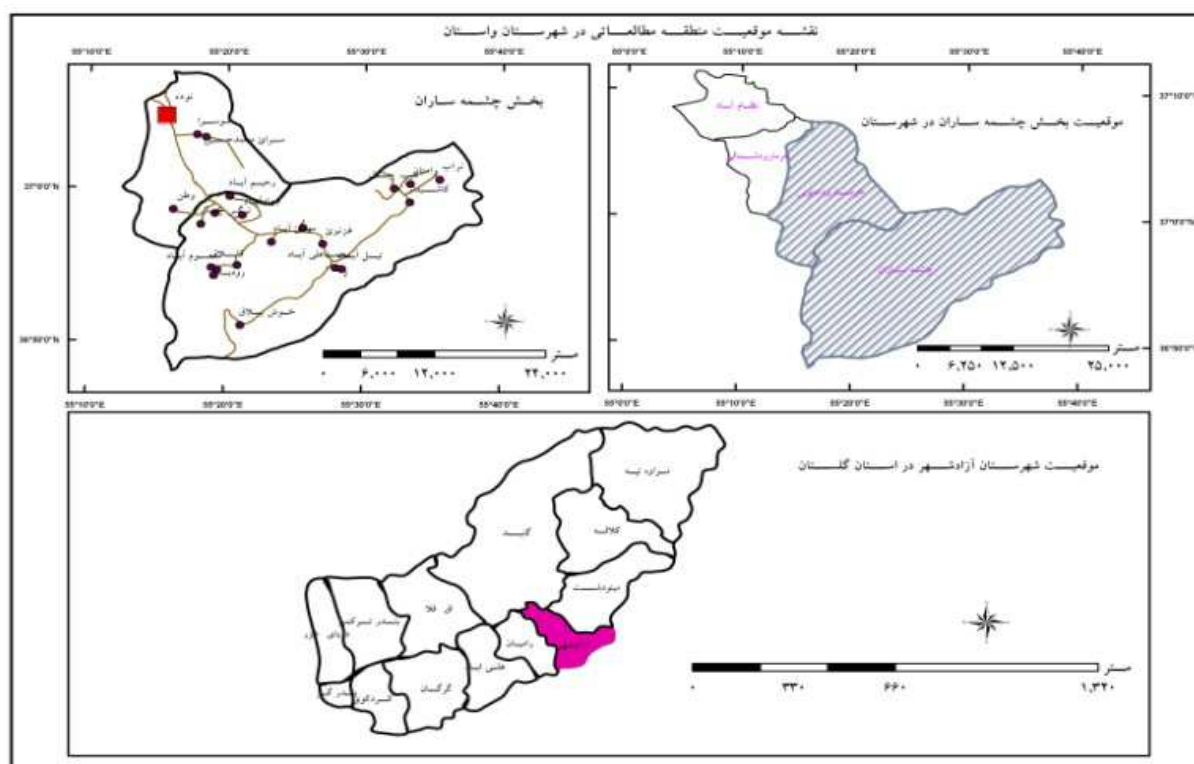
۳) روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. با توجه به هدف تحقیق، در گام نخست جهت تدوین مبانی نظری تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است. مطالعات میدانی در این پژوهش مبتنی بر پرسشنامه محقق ساخته که پس از نمونه‌گیری از افراد روستایی مورد نظر و به منظور ارزیابی تأثیر روابط متقابل شهر و روستا در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیط‌زیستی روستاهای بخش چشمه‌ساران، توسط دهیاران و ساکنین روستاها تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه نیز از نرم‌افزار SPSS و آزمون آماری کای اسکور با توجه به مقیاس داده‌ها و مقایسه میانگین - ها استفاده شده است. روایی تحقیق با استفاده از تحقیقات قبلی و مصاحبه با کارشناسان تأیید شده است. پایایی ابزار تحقیق نیز از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار تحقیق است. برای بررسی بعد اقتصادی از ۸ متغیر، بعد اجتماعی ۷ متغیر و برای بعد کالبدی و محیط - زیستی ۶ متغیر و در مجموع ۲۱ متغیر استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش بخش چشمه‌ساران و کل خانوارهای ساکن در ۲۰ روستای بخش چشمه‌ساران است. در ابتدا به وسیله روش نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه‌ای برابر ۳۲۳ نفر تعیین و در مرحله دوم سهم هر روستا با توجه به نسبت جمعیت هر روستا به کل جامعه از نظر تعداد خانوار تعیین و پرسشنامه در بین سرپرستان خانوارها تکمیل گردید.

محدوده مورد پژوهش از شمال به شهرستان گنبد از جنوب به استان سمنان، از شرق به شهرستان مینودشت و از غرب به شهرستان رامیان محدود می‌شود. با مساحت ۸۷۳ کیلومترمربع هشتمین شهرستان استان در بین ۱۱ شهرستان بوده و ۴/۲ درصد مساحت استان را در بر گرفته است. دارای دو

بخش مرکزی و چشمه‌ساران است و دارای جمعیتی بالغ بر ۹۱۳۰۰ نفر (۵۳۷۳۱ نفر آن شهرنشین و ۳۷۵۶۹ نفر آن روستایی) است. این شهرستان دارای چهار دهستان است که در زیر موقعیت جغرافیایی آن‌ها نمایش داده شده است.

بخش چشمه‌ساران از دو دهستان (فارسیان و خرمارود جنوبی) تشکیل شده است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۰ دارای ۳۲ آبادی مسکونی با جمعیتی بالغ بر ۲۳۴۱۱ نفر بوده است پس از یک دهه طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ شامل ۲۰ روستا و یک نقطه شهری (نوده) با جمعیتی بالغ بر ۱۷۸۱۶ نفر است که ۸۲/۵ درصد آن ساکن روستا و ۱۷/۵ درصد ساکن شهر هستند. در روستاهای این منطقه نوعی تنوع اقلیمی نیز مشاهده می‌شود و از لحاظ طبیعی در سه گروه دشت، کوهپایه و کوهستانی قرار می‌گیرند. بیشتر روستاهای این بخش از نوع کوهستانی می‌باشند که کشت گندم، باغداری و دامداری مهم‌ترین فعالیت روستاییان این منطقه است.



شکل شماره (۳): قلمرو مورد مطالعه

جدول شماره (۱): فاصله از مرکز شهرستان

روستا	تعداد خانوار	فاصله به کیلومتر	روستا	تعداد خانوار	فاصله به کیلومتر
نراب	۵۹۵	۷۵	معصوم آباد	۲۱	۳۶
سیب چال	۱۳۸	۷۷	قشلاق	۲۸	۳۷
وامنان	۴۸۴	۷۳	رودبار	۸۶	۳۷
کاشیدار	۴۳۴	۷۰	رحیم آباد	۳۶	۳۲
تیل آباد	۳۳۶	۶۰	حاجی آباد	۲۱	۳۰
خوش بیلاق	۷۷	۷۵	زرگس چال	۴۰	۳۰
غزنوی	۱۲	۵۰	وطن	۲۶۱	۳۰
فارسیان	۶۱۲	۴۵	سوسرا	۲۸۶	۱۰
مهدی آباد	۴۷	۴۰	پادگان نوده	۲۰	۶
اسلام آباد	۱۸	۳۳	سیدآباد	۴۴۱	۱۰

ماخذ: اداره کل راه و ترابری استان گلستان، ۱۳۹۵

(۴) یافته‌های تحقیق

در علم جغرافیا، یک ناحیه تنها یک سیستم کارکردی از سکونتگاه‌های گوناگون نیست بلکه این سیستم ناحیه‌ای از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی و کنش متقابل نیز نیرو می‌گیرد و از آن تأثیر می‌پذیرد (شکویی، ۱۳۸۵: ۲۶۷). روند کنش متقابل از طریق روابط سکونتگاه‌ها انجام می‌شود. به‌طور کلی ارتباطات بین مراکز شهری و روستایی سیر منابع اقتصادی، اجتماعی و نظایر آن را تغییر می‌دهد در حالی که همگان انتظار توسعه دوجانبه را دارند ولی ممکن است این ارتباط حالت "انگلی" به خود گیرد که توسعه یک ناحیه با اضمحلال نواحی پیرامونی همراه شود. تجربه اجرای سیاست‌های مبتنی بر قطب‌های رشد در دهه‌های گذشته نشان از این واقعیت داشت که تأثیرات جانبی آن در بخش‌ها، شهرها، شهرک‌ها و روستاها با توفیق همراه نبوده و نتوانست باعث توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاها شود. توسعه کلان‌شهرها با ادغام و خالی از سکنه شدن بسیاری از روستاهای پیرامونی و از دست رفتن استقلال مکانی آن‌ها مثالی بر این ادعا است و از سویی دیگر نوع رابطه بین آن‌ها ممکن است "دوجانبه و زیایا" باشد که تأثیرات مثبت و مفیدی در حوزه نفوذ خود می‌گذارند. با توجه به ماهیت روابط مذکور در ادامه یافته‌های حاصل از تحقیقات میدانی در سه بخش به شرح ذیل تبیین و تحلیل می‌گردد.

(۴-۱) ابعاد اقتصادی

از عوامل مؤثر در تعیین جایگاه و موضع شهر و روستا و رابطه بین آن‌ها، فعالیت‌های اقتصادی است که یکپارچگی فضایی را توسعه می‌بخشد. نوع فعالیت اقتصادی ناشی از امکانات مساعد ناحیه‌ای و

روستاهای پیرامونی آن است. تولید و عرضه کالا از شهر به روستا و صدور محصولات کشاورزی و دامپروری از روستا به شهر ارکان اساسی روابط اقتصادی را تشکیل می‌دهد (شکویی، ۱۳۸۵: ۲۷۰). بر این اساس مناسبات و روابط شهر و روستا در عرصه اقتصادی در محدوده مورد پژوهش در حوزه‌های جریان کالا، سرمایه، ایجاد مشاغل جدید، انحراف از مشاغل کشاورزی، میزان تولیدات کشاورزی، توزیع ثروت و ارزش مسکن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، میانگین کلی تغییرات در این بخش ۶۷/۸ درصد زیاد، ۱۳/۷ درصد متوسط و ۱۸/۴ درصد کم بوده است.

با دقت در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود که از مجموع ۸ متغیر مورد بررسی، نحوه مصرف و خرید، جریان مواد اولیه، جریان سرمایه، توزیع ثروت و انحراف از مشاغل کشاورزی بیشترین تغییرات را دارا بوده است. به طوری که ۹۵ درصد تغییرات آن مربوط به نحوه مصرف و خرید، ۸۷/۵ درصد در جریان مواد اولیه و کالا و ۷۵ درصد شامل انحراف از مشاغل کشاورزی و جریان سرمایه است. همچنین تغییرات فوق نشان می‌دهد که گسترش روابط شهر و روستا سبب افزایش تنوع شغلی در جامعه نمونه شده که پیامد آن ایجاد مشاغلی از قبیل مغازه‌داری، کارگری و کارهای یدی است. نکته درخور توجه آن است که از سهم کارهای تولیدی (کشاورزی) کاسته شده و به کارهای غیر تولیدی که ماهیتاً تورم‌زا هستند، افزوده شده است. این موضوع سبب شکل‌گیری قشر جدیدی در روستاهای منطقه به لحاظ مالی شده که کمترین نفع را برای مردم منطقه داشته و عواید حاصله را بیشتر نصیب افراد مرفه یا بعضاً شهری کرده است. در ادامه جهت تدقیق بیشتر از آزمون کای اسکوتر استفاده شد. بدین منظور ابتدا میزان این تغییرات در هر متغیر، سپس مجموع تغییرات اعمال شده به کمک آزمون مورد بررسی قرار گرفت. محاسبات آماری تغییرات به وجود آمده در ابعاد اقتصادی را تأیید می‌نماید.

جدول شماره (۲): میزان تأثیر روابط شهر و روستا در ابعاد اقتصادی

نتیجه	sig	df	X ^۲	کم		متوسط		زیاد		میزان تغییر متغیر
				درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۴۳۰/۹۶	۱۰	۳۲	۲/۵	۸	۸۷/۵	۲۸۳	جریان مواد اولیه کالا
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۵۶/۳۵	۱۰	۳۲	۱۵	۴۸	۷۵	۲۴۳	جریان سرمایه
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۲۴/۲۰	۱۷/۵	۵۷	۲۰	۶۴	۶۲/۵	۲۰۲	ایجاد مشاغل جدید
تأیید	۰/۰۰۰	۱	۲۶۲/۱۷	۰	۰	۵	۱۶	۹۵	۳۰۷	نحوه مصرف و خرید
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۴۳/۱۹	۳۵	۱۱۳	۱۷/۵	۵۷	۴۷/۵	۱۵۳	ارزش مسکن
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۶۱/۶۹	۲۰	۶۴	۱۵	۴۸	۶۵	۲۱۹	توزیع ثروت
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۵۶/۳۵	۱۵	۴۸	۱۰	۳۲	۷۵	۲۴۳	انحراف از مشاغل کشاورزی
تأیید	۰/۰۰۴	۲	۱۱/۰۹	۴۰	۱۲۹	۲۵	۸۱	۳۵	۱۱۳	میزان تولیدات کشاورزی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۴۱۱/۶۰	-	۴۷۵	-	۳۵۴	-	۱۷۶۳	جمع

مأخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۵.

۲-۴) ابعاد اجتماعی و فرهنگی

شرایط اجتماعی حاکم بر محیط‌های شهری و روستایی عامل مؤثر در برقراری رابطه است. در این رابطه می‌توان از عوامل سیاسی و اداری (نقش دولت و سازمان‌های اداری آن)، عوامل مذهبی (دفن اشخاص مذهبی در یک محل و تجمع افراد جهت زیارت) و تمرکز جاذبه‌های فرهنگی، تأسیسات و امکانات فرهنگی نام برد. از سویی دیگر مهاجرت‌های روستایی به شهرها، رفت‌وآمد بین شهرها و روستا، خصوصیات و آداب‌ورسوم محلی و ناحیه‌ای را جابجا کرده و در محیطی دیگر اشاعه می‌دهد (رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). بدین منظور در این بخش ۷ متغیر بر اساس ارزش‌ها، شیوه نگرش و ساخت اجتماعی جامعه نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. از مجموع ۷ متغیر مورد بررسی در این بخش (انسجام اجتماعی، همکاری در مراسم و فعالیت‌های مذهبی، پایبندی به آداب‌ورسوم، بهره‌گیری از فرصت‌ها، مهاجرت، اختلاط اقوام و تغییر در پوشش‌های محلی) تغییرات در ۵ متغیر بالاتر از ۶۰ درصد بوده است و به‌طور میانگین ۶۲/۵ درصد تغییرات زیاد، ۱۳/۲ درصد متوسط و ۲۴/۱ درصد کم است. این امر بدان معناست که با افزایش رابطه مراکز روستایی و شهری از ثبات هر یک از متغیرها کاسته شده که پیامد آن کاهش ۹۵ درصد پوشش‌های محلی، افزایش ۸۵ درصد مهاجرت جوانان و به هم خوردن ۹۱ درصد انسجام اجتماعی و ۷۲ درصد تغییرات در آداب‌ورسوم گذشته است. این امر سبب بروز اختلافات شدید و در مواردی درگیری‌های قومی شده است. همچنین ۷۰ درصد جامعه نمونه از فرصت‌های به وجود آمده استفاده چندانی نداشته‌اند. یافته‌ها و محاسبات آماری تمامی تغییرات متغیرهای مورد بررسی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی را تأیید می‌نماید.

جدول شماره (۳): میزان تأثیر روابط شهر و روستا در ابعاد اجتماعی و فرهنگی

نتیجه	sig	df	X ^۲	کم		متوسط		زیاد		میزان تغییر متغیر
				درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۶۹/۹۲	۱۰	۳۲	۲۵	۸۱	۶۵	۲۱۹	همکاری در مراسم و فعالیت مذهبی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۴۸۳/۷۵	۴	۱۳	۵	۱۶	۹۱	۲۹۴	انسجام اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۳۱/۵۳	۵	۱۶	۲۳	۷۵	۷۲	۲۳۲	اختلاط اقوام
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۵۶/۵۳	۷۵	۲۴۳	۱۵	۴۸	۱۰	۳۲	پایبندی به آداب سنتی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۰۳/۱۵	۷۰	۲۲۷	۱۰	۳۲	۲۰	۶۴	بهره‌گیری از فرصت‌ها
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۳۹۱/۲۸	۵	۱۶	۱۰	۳۲	۸۵	۲۷۵	مهاجرت
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۶۲/۱۷	۰	۰	۵	۱۶	۹۵	۳۰۷	تغییر در پوشش محلی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۱۵۶/۱۷	-	۵۴۷	-	۳۰۰	-	۱۴۲۳	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵

۳-۴) ابعاد فیزیکی (کالبدی)

سکونتگاه‌های روستایی، همانند هر پدیده دیگر ناگزیر در معرض تحولات و دگرگونی قرار دارد؛ این تحولات و دگرگونی‌ها در عرصه‌های روستایی در کنار تغییرات درونی غالباً منشأی برون‌زا دارد و به واسطه رخدادهای بیرونی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی پدیدار شده و می‌شوند و در پی این فرایند سکونتگاه‌های روستایی در معرض نوآوری‌هایی قرار می‌گیرند که اصالتاً در بیرون از عرصه‌ها شکل گرفته‌اند و به صور مختلف و درزمینه‌های متنوع تجلی می‌یابند: تحول در شیوه کشت، تغییر در شکل و الگوی مسکن از این‌گونه تحولات و دگرگونی‌هاست (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). بدین منظور در این بخش روابط فیزیکی در حوزه‌های، تغییرات در الگوی مسکن روستایی، تغییرات کاربری و مالکیت اراضی و تأثیرات محیطی مورد بررسی قرار گرفته است. طبق یافته‌های میدانی مشخص شد که به‌طور میانگین ۶۶/۶ درصد از تغییرات در بخش کالبدی روستاها زیاد، ۲۵ درصد متوسط و ۸/۳ درصد نیز کم بوده است. از سویی دیگر این رابطه تغییرات عمیقی را در پاره‌ای از متغیرها به‌همراه داشته است با دقت در جدول ملاحظه می‌شود تغییرات ۸۰ درصد مسکن، ۷۰ درصد نمای ساختمان‌های روستایی، ۷۰ درصد تأثیرات محیطی و ۶۵ درصد نوع مصالح ساختمانی محصول این تعامل است. نکته درخور توجه اینکه، کمرنگ شدن الگوی سنتی مسکن روستایی و توسعه سبک معماری شهری باعث برهم خوردن جاذبه‌های سنتی مسکن بومی شده است. همچنین با توجه به جدول ۴، نوع کاربری اراضی به مقدار ۶۰ درصد زیاد، ۳۰ درصد متوسط و ۱۰ درصد کم درحالی که مالکیت اراضی به مقدار ۵۵ درصد زیاد، ۴۰ درصد متوسط و ۵ درصد کم دچار تغییر شده است. که نتیجه آن قطعه‌قطعه شدن اراضی و کاهش بهره‌وری، کاهش میزان تولید محصولات کشاورزی بوده است. همچنین ارزیابی این تغییرات توسط آزمون آماری کای اسکوئر مورد تأیید است.

جدول شماره (۴): میزان تأثیر روابط شهر و روستا در ابعاد کالبدی

نتیجه	sig	df	X ^۲	کم		متوسط		زیاد		میزان تغییر
				درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۳۲۳/۸۲	۵	۱۶	۱۵	۴۸	۸۰	۲۵۹	نوع مسکن
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۶۹/۹۲	۱۰	۳۲	۲۵	۸۱	۶۵	۲۱۹	نوع مصالح
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۰۳/۱۵	۱۰	۳۲	۲۰	۶۴	۷۰	۲۲۷	نمای ساختمان‌ها
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۲۷/۳۲	۵	۱۶	۴۰	۱۳۰	۵۵	۱۷۷	مالکیت اراضی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۲۳/۴۶	۱۰	۳۲	۳۰	۹۷	۶۰	۱۹۴	تغییر کاربری اراضی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۲۰۳/۱۵	۱۰	۳۲	۲۰	۶۴	۷۰	۲۲۷	تأثیرات محیطی
تأیید	۰/۰۰۰	۲	۱۰۶۹/۴۳	-	۱۶۰	-	۴۸۴	-	۱۳۰۳	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵

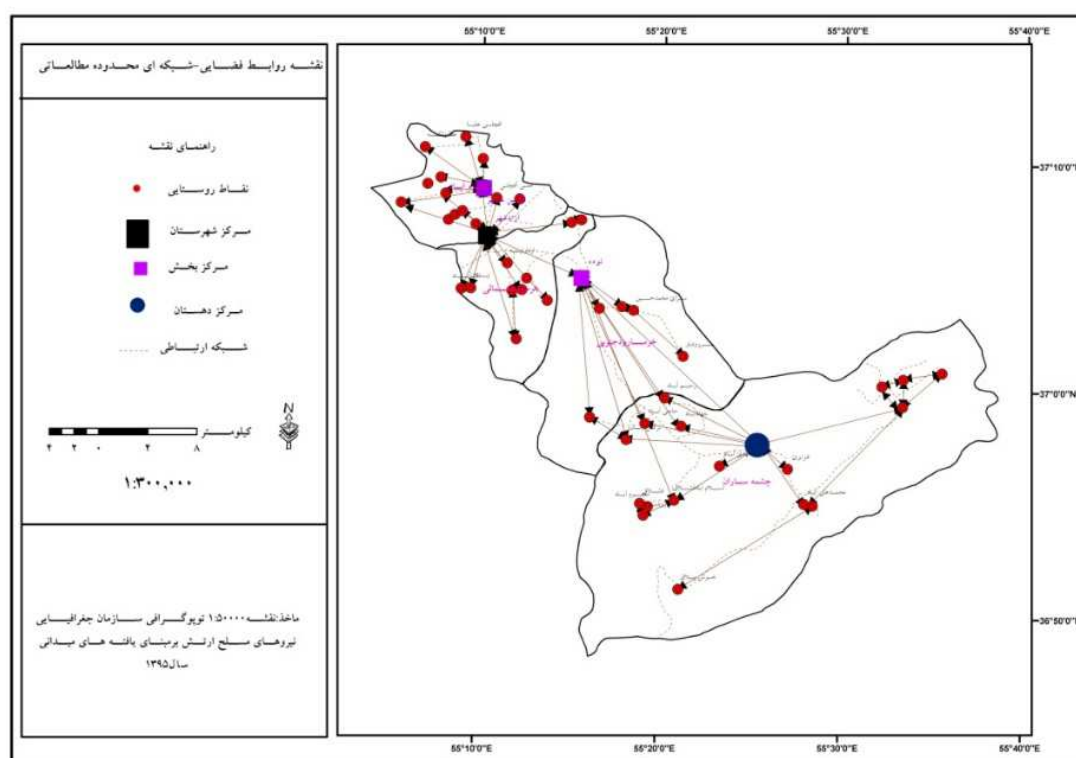
در نهایت جهت تعیین میزان تغییرات حاصل از روابط شهر و روستا با توجه به ماهیت اطلاعات و مقیاس داده‌ها اقدام به مقایسه میانگین تغییرات در هر سه بخش گردید. نتایج حاصل از این مقایسه در جدول شماره ۵ ارائه شده است با توجه به جدول به‌طور میانگین میزان تغییرات در مجموع ۶۵/۶ درصد زیاد، ۱۹/۵ درصد متوسط و ۱۶/۹ درصد کم بوده است.

جدول شماره (۵): میانگین تغییرات در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی

کم		متوسط		زیاد		شاخص تغییرات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۶/۹	۵۴/۶	۱۹/۵	۵۵/۸	۶۵/۶	۲۱۳/۵	میانگین

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵

در مجموع با توجه به نتایج آزمون‌های آماری و مشاهدات میدانی می‌توان گفت که روابط متقابل شهر و روستا در جامعه آماری از یک سو باعث کم‌رنگ شدن الگوهای سنتی مسکن روستایی کاهش مالکیت اراضی، افزایش قیمت زمین، کاهش میزان تولید محصولات، افزایش مهاجرت و کاهش انسجام اجتماعی شده و از سویی دیگر به ایجاد مشاغل جدید و ساخت مسکن مقاوم شده است. همچنین نحوه و چگونگی ارتباط بین حوزه‌های روستایی و شهر آزادشهر در شکل شماره (۴) نمایش داده شده است.



شکل شماره (۴): روابط فضایی - شبکه‌ای محدوده مطالعاتی

۵) نتیجه‌گیری

امروزه شهرها و روستاها را نمی‌توان جداگانه از یکدیگر مورد بررسی قرار داد، چراکه هرگونه اقدامی برای آنها باید در رابطه با یکدیگر صورت گیرد. همواره ثابت شده است که بررسی و برنامه‌ریزی به منظور تأثیرگذاری شهر بر روستا و روستا بر شهر، لازم است که بر روی مواردی تأکید داشت که ضمن برقراری رابطه بین شهر و روستا، موجب توسعه هر یک از آنها شود. آنچه در این رابطه قابل ذکر است، اهمیت شهرها به عنوان مراکز خدمات و بازار تولیدات کشاورزی است، چراکه در این شرایط شهرها از طریق انتقال مازاد کشاورزی، جابجایی ناپایدار نیروی انسانی و نیروی کار و عرضه کالاهای مصرفی با حوزه نفوذ خود ارتباط برقرار می‌کنند که ممکن است مفید و مثبت باشد یا برعکس به سیر قهقرای حوزه‌های روستایی منجر گردد. در این صورت اثرات آن در قالب افزایش یا کاهش قیمت زمین و مسکن، قطعه‌قطعه شدن اراضی، تغییرات در مالکیت زمین‌ها، انحراف از مشاغل کشاورزی به سمت کارهای خدماتی، اختلاط اقوام، تغییر در وجه نظرها و رفتارها قابل مشاهده است. از طرفی نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که روابط موجود میان شهر و روستا در حوزه مطالعاتی بر مدل کارکردی استوار است؛ بنابراین وابسته بودن و تغییر در چشم‌اندازهای روستایی امری اجتناب‌ناپذیر است و در روند این گونه تغییرات، شکل، الگو و حتی ماهیت فضای روستایی دگرگون می‌شود و کوشش برای حفظ فضاهای روستایی به همان صورت و با همان ویژگی‌های همیشگی و قبلی منطقی به نظر نمی‌رسد. در این میان نکته حائز اهمیت آن است که تغییر و مصرف فضا به درستی و به صورت عقلایی صورت پذیرد. این امر نیازمند نظامی است که بتواند به نحو منطقی تعیین نماید که چه تغییراتی و با چه دامنه‌ای در محیط روستا سودمند و کارآمد است و چه نوع تغییراتی نامناسب و ناکارآمد خواهد بود.

۶) منابع

- اهلرز، اکارت، (۱۳۸۰)، ایران: شهر، روستا و عشایر، ترجمه سعیدی، عباس، نشر منشی.
- آسایش، حسین، (۱۳۷۴)، اقتصاد روستایی، انتشارات پیام نور، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی، (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- تقیلو، علی‌اکبر و عبدالله عبداللهی، (۱۳۹۲)، توسعه کشاورزی با تأکید بر مناسبات شهر و روستا، مطالعه موردی استان آذربایجان غربی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱، بهار، صص ۲۹-۵۰.
- تقی‌زاده، فاطمه، (۱۳۸۴)، نقش بازارهای محلی در پیوندهای روستایی شهری با تأکید بر تعادل‌های منطقه‌ای، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری شهرسازی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
- جمعه پور، محمود، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت، تهران.

- حافظ نیا، محمدرضا، پیروز مجتهد زاده، محمد سهرابی و محسن جانپور، (۱۳۸۹)، بررسی تحول مفهوم مرز در دوران معاصر، فصلنامه علمی تخصصی مرز و جغرافیا، پیش‌شماره ۱، صص ۷-۴۲.
- ربانی، رسول، زهرا طاهری و زهرا روستا، (۱۳۹۰)، بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران تنکابن و رامسر)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره پنجم، صص ۸۳-۱۰۸.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران؛ پژوهش‌های جغرافیایی؛ شماره ۴۳، صص ۸۱-۹۴.
- رفیعیان، مجتبی، جمشید مولودی، ابوالفضل مشکینی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و کیومرث ایراندوست، (۱۳۹۲)، رابطه تحول کارکرد مرز با ارتقای وضعیت پیرامونی شهرهای مرزی مطالعه موردی: شهرهای مرزی بانه و سقز، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره نهم، صص ۴۵-۵۸.
- سعیدی، عباس و جواد مکانیکی، (۱۳۸۷)، دگرگونی روابط شهر و روستا با تأکید بر فعالیت‌های اقتصادی، جغرافیا - نشریه علمی، پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۷۱-۹۰.
- سعیدی، عباس، (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت.
- سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، انتشارات امیرکبیر.
- شکویی، حسین، (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ دهم، انتشارات سمت. تهران
- شیخی، حجت و احمد شاه‌یوندی، (۱۳۹۱)، تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای و سطح‌بندی نظام شهری در منطقه زاگرس، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره دوم، (پیاپی ۶)، صص ۲۱-۴۰.
- صرامی، حسین، (۱۳۸۴)، مرکز پیرامون و رابطه شهر و روستا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷، انتشارات آستان قدس رضوی. صص ۱۰۰-۱۱۲.
- ضرابی، اصغر و میر نجف موسوی، (۱۳۸۸)، بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان یزد، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، اصفهان، شماره ۲، صص ۱-۱۸.
- عظیمی، ناصر، (۱۳۸۱)، پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، تهران، نشر نیکا.
- علیزاده، کتایون، محمدحسن هجرتی و محمد احمدآبادی، (۱۳۹۲)، بررسی روابط متقابل شهر و روستا (نمونه موردی: روستاهای دهستان عشق‌آباد با شهر نیشابور)، چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال هشتم، شماره ۲۴، صص ۱۳۳-۱۴۵.
- فرید، یدالله، (۱۳۷۳)، جغرافیا و شهرشناسی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تبریز. تبریز.
- قاسمی، مریم، جعفر جوان و زهرا صابری، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال چهارم، شماره شانزدهم، صص ۱۵-۳۷.

- قدیری معصوم، مجتبی، مهدی چراغی، محمدرضا رضوانی، (۱۳۹۴)، **اثرات روابط اقتصادی شهر و روستا بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد: شهرستان زنجان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱۴، زمستان، صص ۶۹-۸۵.
- محمدی، جمال، کمال خالق پناه و معصومه زارع، (۱۳۹۲)، **شهری شدن روستاها و قضایای شدن مناقشات، توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۷۵-۱۰۲**.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، حمیده خسروی مهر، علی طورانی، (۱۳۹۳)، **اثرات روابط اقتصادی شهر و روستا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی، مورد: دهستان چهل چای در شهرستان مینودشت**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۴، زمستان، صص ۱۹-۴۲.
- معید فر، سعید و صادق اکبری، (۱۳۸۷)، **مناسبات روستا با شهر و اثرات توسعه‌ای آن، جغرافیا - نشریه علمی، پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال ششم، شماره ۱۷ و ۱۸، صص ۸۳-۹۶**.
- میرزایی قلعه، فرزاد، بهرنگ کلانتری، محمد مولایی قلیچی و آئیژ عزمی، (۱۳۹۲)، **تحلیل روابط متقابل شهر و روستا در میزان توسعه‌یافتگی روستاهای دهستان حومه، شهرستان هرسین، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۳، صص ۸۹-۱۰۰**.
- میرکتولی، جعفر و محسن عادل، (۱۳۹۳)، **تحلیل هوشمند کاربری اراضی مدل LUCIS، استراتژی تشخیص ناسازگاری کاربری اراضی (ترجمه)، تألیف مارگارت اچ، کار و پائول دی، زیگ، انتشارات دانشگاه گلستان، صص ۲۹۲**.
- ندیری، فاطمه، محمود جمعه پور و محمد شیخی، (۱۳۹۱)، **بررسی الگوی روابط متقابل شهر و روستا و تأثیر آن بر روند مهاجرت در استان قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی**.
- نظریان، علی‌اصغر، (۱۳۷۷)، **جغرافیای شهری ایران**، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
- Center for Economic Research. (2013), **Urbanization in Central Asia: Challenges, issues, and prospects**. Tashkent: Center for Economic Research, 64 p., Available online. <http://www.unescap.org/resources/urbanization-central-asia-challenges-issuesand-prospects> Accessed 20.08.14.
- Kassioumis, K., Papa Georgiou, K., Christodoulou, A., Blioumis, V., Stamou, N., & Karameris, A. (2004), **Ural development by afforestation in predominantly agricultural areas: issues and challenges from two areas in Greece**. *Forest Policy and Economics*, 6, 483 - 496.
- Kennedy, J. J., Thomas, J. W., & Glueck, P. (2001), **Evolving forestry and rural development beliefs at midpoint and close of the 20th century**. *Forest Policy and Economics*, 3, 81 - 95.
- Kumar Jat. M, Garg. P.K, Khare. D. (2008), **Monitoring and modelling of urban sprawl using remote sensing and GIS techniques**. *International Journal of Applied Earth Observation and Geoformation* 10. 26-43.
- Long, H. L., Heilig, G. K., Li, X. B., & Zhang, M. (2011), **Socio-economic development and land-use change: analysis of rural housing land transition in the Transect of the Yangtze River, China**. *Land Use Policy*, 24(1), 141-153.

- Meyer. S.R, Johnson. M.L, Lilieholm. R.J, Cronan. C.S (2014), **Development of a stakeholder-driven spatial modeling framework for strategic landscape planning using Bayesian networks across two urban-rural gradients in Maine, USA.** Ecological Modelling 291. 42–57.
- Müller, R., Müller, D., Schierhorn, F., & Gerold, G. (2011) **Spatiotemporal modeling of the expansion of mechanized agriculture in the Bolivian lowland forests.** Applied Geography, 31, 631-640.
- Tacoli. C. (2003) **the link a between urban and rural development.** Environment and Urbanization, Vol 15.No 2. Pp 3 – 12.
- Xue. J. (2014), **Is eco-village/urban village the future of a DE growth society? An urban planner's perspective.** Ecological Economics 105. 130–138.